

بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهرستان مهران در سال ۱۳۹۴)

سهیلا ناصری^۱

محبوبه ناصری^۲

چکیده

با توجه به اینکه نیمی از نیروی انسانی هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، این پژوهش، عوامل مؤثر بر نگرش‌های جنسیتی در جامعه را مورد بررسی قرار داده است. نگرش به موضوع جنسیت به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم اجتماعی-فرهنگی جامعه برای جداسازی معیارهای مردگرایی-زن‌گرایی و یا سنتی-مدرن به کار برده شده است؛ بدون شک، چگونگی نگرش و طرز تلقی نسبت به زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، تمامی کنش‌ها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی را در رده‌های کلان، میانی و پایین دستی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در نتیجه، نگرش به زن و در معنای عمومی تر آن، مقوله جنسیت، می‌تواند روشنگر چگونگی وضعیت دیگر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز باشد. روش پژوهش در این مقاله، اسنادی و پیمایشی (توصیفی-کاربردی) و جامعه آماری آن، شامل تمام دانشجویان دانشگاه آزاد، پیام‌نور و علمی-کاربردی شهرستان مهران است که ۴۰۰ نفر از آنها با احتساب افت آزمودنی، بر اساس فرمول کوکران، برآورد و از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. به منظور تبیین موضوع مورد بررسی، در چارچوب نظری این تحقیق، دو نظریه سنتیز و منابع، مورد استفاده بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، نگرش والدین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و منزلت شغلی فرد و نگرش‌های جنسیتی، رابطه وجود دارد.

واژگان کلیدی: دانشجویان، نگرش جنسیتی، نابرابری جنسیتی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر تهران، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)

naseri.sohila@yahoo.com

mahbobehnaseri@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور مهران



مقدمه و بیان مسئله

نابرابری جنسیتی، واقعیتی اجتماعی در هر برهه‌ای از تاریخ بشر بوده است. هرگونه رفتار، زبان، سیاست و سایر کنش‌هایی که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت و فراگیر و نهادینه‌شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، معنای نابرابری جنسیتی می‌باشد (گروسی، ۱۳۸۷: ۱۰)؛ اما آیا این نابرابری، امری است طبیعی یا اجتماعی یا ساخته فرهنگ جوامع بشری؟

زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیری مستقیم در پیشرفت و توسعه همه‌جانبه جامعه دارند و راهبردهای یک جامعه توسعه‌یافته باید بر پایه مشارکت فعال زنان در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استوار شود؛ همچنین میزان اهمیت و اعتباری که در جامعه برای زنان قائل هستند یکی از معیارهای سنجش درجه توسعه‌یافتگی آن جامعه به حساب می‌آید؛ به همین دلیل، برنامه توسعه ملل متحد، ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطحی گسترده را یکی از اهداف محوری اعلامیه هزاره سوم دانسته است (مشهدی، ۱۳۸۹: ۴۲)؛ اما واقعیت امر این است که دستیابی به جایگاه مناسب در جامعه و ایفای نقش آنان در توسعه در طول تاریخ همواره با موانع و عوامل بازدارنده متعددی روبرو بوده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران، بخش مهمی از این موانع را به شیوه جامعه‌پذیری، پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌های جنسیتی مربوط می‌دانند. آنان معتقدند که جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران از همان دوره کودکی، نقش‌های جنسیتی خاص، نگرش‌ها، ارزش‌ها و معیارهای مبتنی بر فرودستی زنان و برتری مردان را در آنان درونی می‌کند. باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ این مرز و بوم ریشه دوانده است یکی از اساسی‌ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می‌شود. بر اساس این باورها، نقش دست دوم زنان ترویج می‌شود؛ به گونه‌ای که آنان متقاعد می‌گردند که نباید وظایف اولیه را در جامعه عهده‌دار شوند. باور عمومی از دیرباز این بوده است که زنان فقط قادر به انجام برخی وظایف سنتی خاص هستند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۳). نابرابری‌های جنسی از نظر تاریخی، بسیار مشکل‌سازتر از نابرابری طبقاتی است. در جامعه ما که در حال دگرگونی از وضعیت سنتی به وضعیت جدید می‌باشد، جمعیت زنان باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ مقام انسانی زن، زمینه شکوفایی، ابتکار، خلاقیت، همکاری، ارتقای فرهنگی و مشارکت وسیع آنان فراهم آید؛ بنابراین تغییر نگرش جامعه نسبت به زنان می‌تواند روشی را ایجاد کند تا وضعیت فعلی آنان بیشتر شناسایی شود و در جهت ارتقای جایگاه فرهنگی و اجتماعی آنان در جامعه، تلاش وسیعی انجام پذیرد. این باورها که ترکیب روابط میان افراد جامعه را مشخص می‌کند از روش‌های گوناگونی مانند خانواده، مدرسه و رسانه‌ها تقویت می‌شود. اثر نگرش‌ها به اندازه‌ای است که مانع مشارکت و سهم‌شدن زنان در منابع و باعث ایجاد نابرابری جنسیتی در جامعه می‌گردد (جزنی، ۱۳۸۰: ۱۱). در دهه‌های اخیر با توجه به گذار جوامع از سنتی به مدرن، فرایند جهانی شدن، رشد شبکه‌های ارتباطی نوین، و تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جهان در

خصوص نگرش‌ها و تعریف‌های مربوط به زنان و نقش آنان در اجتماع، بازناندیشی شده و مشروعیت آنان مورد سؤال قرار گرفته است. در عصر حاضر، زنان و دختران در سراسر جهان، هویت‌های جافتاده سنتی خود را مورد سؤال قرار داده‌اند و می‌خواهند هویتی بیش از هویت خانگی داشته باشند (گیلنز، ۱۳۸۲: ۱۲۷). از آنجا که شهر مهران از جمله جوامع سنتی و در حال گذار است، نظام مردسالاری در آن به عنوان نظام مسلط قلمداد می‌شود. با توجه به رشد شبکه‌های اجتماعی نوین، تغییرات فرهنگی-اجتماعی، افزایش حضور زنان در تمامی عرصه‌های جامعه و رشد آگاهی و شناخت آنان نسبت به نقش و جایگاه خود، افزایش حضور زنان در عرصه مؤسسات آموزش عالی و افزایش سطح دانش آنان، نگارندگان این مقاله بر آن شدند تا به شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی در بین دانشجویان شهر مهران بپردازند؛ لذا مسائل مورد نظر در این پژوهش این گونه بیان می‌شود که مهمترین عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی در بین دانشجویان شهر مهران کدامند؟ و چه راهکارهایی به منظور رفع و تغییر این نگرش‌ها می‌توان ارائه نمود؟

یکی از معیارهای سنجش توسعه جوامع، میزان مشارکت اجتماعی فرهنگی و سیاسی زنان است. عدم بهره‌برداری صحیح از سرمایه گذاری کشور برای آموزش زنان و عدم استفاده از نیروهای کارآمد زن، از مهمترین موانع رسیدن به اهداف توسعه در جامعه می‌باشد. از آنجایی که زنان مهران، هنوز در باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های روئیده در بستر فرهنگی جامعه، جنس دوم و ضعیف تلقی می‌شوند و طبق نتایج تمام تحقیقات صورت گرفته در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، دستیابی به توسعه پایدار در ابعاد انسانی و اجتماعی، بدون توجه به نیمه جمعیت زنان جامعه امکان‌پذیر نیست و نظر به اینکه زنان مهران نیز همچون زنان سایر نقاط ایران در مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز که حضور همه‌جانبه آحاد جامعه برای رسیدن به اهداف عالی نظام، ضروری و حیاتی به نظر آمده است، حضور و مشارکت خویش را نمایش گذاشته‌اند و با عنایت به اینکه نسل جدید زنان مهران به دلیل آگاهی بیشتر نسبت به حقوق فردی و اجتماعی خویش، خواهان مشارکت بیشتر در زندگی و حیات اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه می‌باشند، اهمیت و ضرورت بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، قابل درک و توجه خواهد بود.

مروری بر مطالعات پیشین

- عزتی (۱۳۸۳) در مقاله «موانع فرهنگی توسعه در نظام خانواده با تکیه بر تبعیض و نابرابری جنسیتی نسبت به زنان» به این نتیجه رسیده است که مقوله عدم تعادل و نابرابری میان نقش‌های جنسیتی در خانواده، یکی از موانع مهم توسعه در قلمرو عوامل فرهنگی است؛ علاوه بر آن، تبعیض‌های آشکار در زمینه سواد و تحصیلات، اشتغال مناسب مدیریتی و آموزشی و ... نیز مانع آن شده است که دختران



و زنان به امتیازهای لازم برای مشارکت در فرایند توسعه دست یابند. آمارها نیز حاکی از آن است که این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کاملاً مشهود است. - لهسایی زاده (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «عامل‌های مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه» که به صورت موردی در شهر شیراز انجام شده، تأثیر عامل‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ذهنی را بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه شیراز بررسی کرده است. روش پژوهش او، پیمایشی است و نشان می‌دهد که میان لایه‌های اجتماعی و منزلت شغلی مردان نسبت به زنان، رابطه معناداری وجود دارد و بر این اساس، مردان با دانش بالا و کسانی که دارای شغل‌های بالاتری می‌باشند، نگرش مثبت‌تری نسبت به زنان دارند.

- ریاحی (۱۳۸۶) در مقاله «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در استان مازنداران» که با روش پیمایش انجام گرفته، به این نتیجه دست یافته است که بین جنسیت، محل سکونت، میزان تحصیلات، میزان درآمد خانواده و میزان سختگیری والدین با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، رابطه معناداری وجود دارد.

- آبوت و والاس (۱۳۸۰) در زمینه تقسیم کار در خانه به نتایج برخی از تحقیقات اشاره کرده‌اند؛ به عنوان مثال گفته‌اند که بر اساس پژوهش ادگل، تصمیم‌گیری‌های کم‌اهمیت‌تر مثل تهیه غذا یا خرید پوشاک بچه‌ها با زنان است؛ در حالی که تصمیم‌گیری‌های مهم؛ نظیر تعیین محل سکونت را مردان به عهده می‌گیرند. این نویسندگان معتقدند که این الگو، صرف‌نظر از شاغل یا خانه‌دار بودن زنان، بر خانواده‌ها حاکم است و در مورد زنان شاغل، باعث بی‌عدالتی مضاعف می‌شود؛ چراکه شمار زنانی که افزون بر اشتغال در بیرون از خانه، همچنان آشپزی، خانه‌داری و بچه‌داری می‌کنند، روز به روز بیشتر می‌شود.

- نتایج مطالعات کانه^۱ (۱۹۹۸) در آمریکا نشانگر آن است که هر قدر وابستگی زنان به مردان از نظر مادی و عاطفی بیشتر باشد، درک آنان از قشربندی جنسیتی و نابرابری کمتر خواهد بود؛ چراکه کنترل فزاینده مردان بر منابع و نهادهای اجتماعی، اغلب منجر به وابستگی زنان به مردان و پیدایش نابرابری جنسیتی می‌شود؛ همچنین اعتقاد به وجود تبعیض و نابرابری بین دو جنس در جامعه آمریکا و وجود تبعیض‌های جنسیتی بر پایه کلیشه‌های جنسیتی، حاصل مطالعه‌ای است که تیمولا (۲۰۰۱) در یکی از دانشگاه‌های آمریکا در خصوص قشربندی جنسیتی انجام داد.

- اسموردا^۲ (۱۹۹۵) با توجه به دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی، بر این باور است که عقاید قالبی جنسیتی یا باورهای ساخت یافته در مورد صفات زنان و مردان، ویژگی‌های شخصیتی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این صفات بر توزیع جنسیتی موقعیت‌های اجتماعی و نقش‌ها اثر می‌گذارد. از

1. kane

2. Smorda



نظر برخی از روانشناسان اجتماعی، شکل‌گیری عقاید قالبی جنسیتی در توزیع نقش‌های اجتماعی زن و مرد در جامعه ریشه دارد.

عنوان تحقیق	روش	خلاصه نتایج
«موانع فرهنگی توسعه در نظام خانواده با تکیه بر تبعیض و نابرابری جنسیتی نسبت به زنان» (عزتی، ۱۳۸۳)	پیمایش	مقوله عدم تعادل و نابرابری میان نقش‌های جنسیتی در خانواده، یکی از موانع مهم توسعه در قلمرو عوامل فرهنگی است. علاوه بر آن، تبعیض‌های آشکار در زمینه سواد و تحصیلات، اشتغال مناسب مدیریتی و آموزشی و ... نیز مانع آن شده است که دختران و زنان به امتیازهای لازم برای مشارکت در فرایند توسعه دست یابند. آمارها نیز حاکی از آن است که این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کاملاً مشهود است.
«عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه (مطالعه موردی: شهر شیراز)» (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۰)	پیمایش	میان لایه‌های اجتماعی و منزلت شغلی مردان نسبت به زنان، رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، مردان با دانش بالا و کسانی که دارای شغل‌های بالاتری می‌باشند نگرش مثبت‌تری نسبت به زنان دارند.
«عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در استان مازنداران» (ریاحی، ۱۳۸۶)	پیمایش	بین جنسیت، محل سکونت، میزان تحصیلات، میزان درآمد خانواده و میزان سختگیری والدین با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، رابطه معناداری وجود دارد.
تقسیم کار در خانه (آبوت و والاس، ۱۳۸۰)	پیمایش	تصمیم‌گیری‌های کم‌اهمیت‌تر مثل تهیه غذا یا خرید پوشاک بچه‌ها با زنان است؛ در حالی که تصمیم‌گیری‌های مهم نظیر تعیین محل سکونت را مردان بر عهده می‌گیرند.
قشریندی جنسیتی (کانه، ۱۹۹۸)	پیمایش	هرقدر وابستگی زنان به مردان از نظر مادی و عاطفی بیشتر باشد، درک آنان از قشریندی جنسیتی و نابرابری کمتر خواهد بود؛ چراکه کنترل فرایند مردان بر منابع و نهادهای اجتماعی اغلب منجر به وابستگی زنان به آنان و پیدایش نابرابری جنسیتی می‌شود.
عقاید قالبی جنسیتی (اسموردا، ۱۹۹۵)	پیمایش	عقاید قالبی جنسیتی یا باورهای ساخت‌یافته در مورد صفات زنان و مردان، ویژگی‌های شخصیتی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



مبانی نظری

تاکنون نظریات و تئوری‌های گوناگونی در زمینه نابرابری جنسیتی و عوامل مؤثر بر آن ارائه شده که هر کدام از دیدگاه خاص خود به موضوع، نگریسته و به تبیین آن پرداخته است.

۱. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر این باورند که هویت و نقش‌های جنسیتی نظیر سایر چیزها یاد گرفته می‌شود. طرفداران این نظریه، اعتقاد دارند که والدین، نقش بسیار مهمی در یاددهی نقش‌های جنسیتی به فرزندان ایفا می‌کنند؛ بدین ترتیب که آنها با استفاده از پاداش و تنبیه، کودکان را به تقلید از نقش‌های جنسیتی ترغیب می‌نمایند. بر طبق این نظریه؛ به ویژه به نظر آلبرت باندورا، کودکان از دو راه عمده، رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را می‌آموزند: نخست اینکه کودک از راه آموزش مستقیم و به تعبیر دیگر، شرطی‌سازی به وسیله پاداش و تنبیهی که دریافت می‌کند، نسبت به رفتارهای جنسیتی شرطی می‌شود و آنها را فرامی‌گیرد؛ دوم از راه فرایند تقلید که در نظریه فروید با عنوان همانندسازی مطرح شده بود. در این روش، رفتارهای جنسیتی، توسط والدین و دیگر عوامل جامعه‌پذیری، الگوسازی می‌شود و کودک از این الگوها تقلید و پیروی می‌کند (دوبووار، ۱۳۸۰: ۶۷).

۲. نظریه جامعه‌پذیری جنسیت

آشکارترین شیوه‌ای که از طریق آن، جامعه در ایجاد تفاوت‌های مردان و زنان نقش ایفا می‌کند، جامعه‌پذیری است و آن، فرایندی است که انسان‌ها از طریق آن، شیوه‌های زندگی جامعه‌شناسان را می‌آموزند و شخصیت ویژه‌ای کسب می‌کنند؛ به گونه‌ای که آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه به عنوان یک عضو را پیدا نمایند. آنچه جامعه‌شناسان در فرایند جامعه‌پذیری بر آن، تأکید دارند یادگیری مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که متناسب با نقش‌های اجتماعی افراد می‌باشد. جامعه‌پذیری جنسیت، آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن، نه تنها کودکان، تبدیل به موجوداتی اجتماعی می‌شوند؛ بلکه به افرادی با ویژگی‌های زنانه یا مردانه تبدیل می‌گردند. در این وضعیت، جنسیت، یعنی مرد یا زن بودن، در بردارنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در هر جامعه برای زنان و مردان، شایسته و مناسب می‌باشد. آنچه به عنوان محتوای این فرایند در نظر گرفته می‌شود (نظیر ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و رفتارها) همان‌هایی است که از نیازهای سیستم اجتماعی جامعه سرچشمه می‌گیرد (استانلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۳). بر اساس نظریه جامعه‌شناسی جنسیت، در فرایند جامعه‌پذیری خانواده، نگرش‌ها و هویت جنسیتی به صورت درونی شده به فرزندان، منتقل می‌شود و تداوم سلطه مردان و فرمانبری زنان را به دنبال می‌آورد. با توجه به اینکه در فرایند جامعه‌پذیری



جنسیتی؛ به طور معمول از مردان، تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و بااراده ترسیم می‌گردد و در مقابل، زنان، موجوداتی آرام، فرمانبر، منفعل، عاطفی و وابسته توصیف می‌شوند، مردان، نقش جنسیتی سلطه‌گری مردانه و زنان نقش فرمانبر بودن را می‌پذیرند (شافر و لامن، ۱۹۹۲: ۹۸).

۳. نظریه ستیز و منابع

در نظریه ستیز، نابرابری اقتصادی میان زنان و مردان، منشأ کلی نابرابری جنسیتی است و از آنجا که مردان، دسترسی بیشتری به منابع قدرت دارند، از آن در جهت اعمال فشار و تداوم یک نظام قشریندی مبتنی بر جنسیت استفاده کرده‌اند. راندال کالینز از جمله نظریه‌پردازان این نظریه است که خانواده را مانند سایر نهادهای موجود در جامعه، ساختاری متشکل از قدرت و سلطه می‌داند و نابرابری موجود در آن را به عنوان تابعی از سرمایه‌های فرهنگی در نظر می‌گیرد و تداوم این نابرابری را وابسته به گفتگوها و شعاعی می‌داند که فعالیت جنسیتی هر کدام از زوجین را مشخص می‌کند؛ فعالیت‌هایی که خود تابعی از سرکوب و ثروت مادی است که در اختیار دارند (ترنر، ۱۳۸۴: ۴۹۹). بلامبرگ نیز یکی از نظریه‌پردازانی است که بر درجه کنترل زنان بر وسایل تولید و توزیع مازاد اقتصادی توجه دارد و معتقد است که قشریندی جنسیتی در نهایت از طریق درجه کنترل زنان بر وسایل تولید و به وسیله مالکیت مازاد تولیدی - ارزش اضافی تعیین می‌شود (همان: ۲۳۲-۲۳۴). بلاد و ولف، به عنوان دو نظریه‌پرداز نظریه منابع معتقدند که تعادل و توازن در تصمیم‌گیری‌ها به نفع کسی است که منابع و امکانات بیشتری را به خانه می‌آورد؛ هر چه منابعی که فرد در اختیار دارد بیشتر باشد، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود و چنین فردی حق دارد تصمیمات مهمی را اتخاذ کند که بر کل خانواده تأثیر می‌گذارد. آنها بر این اعتقادند که افزایش سطح تحصیلات، پایگاه شغلی، درآمد و دارایی مرد، منابعی هستند که او می‌تواند از آنها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده نماید (بلاد و ولف، ۱۹۶۰: ۲۹).



جدول شماره (۱). ماتریس متغیرهای مبانی نظری

متغیرها	نظریه	صاحب نظر	حوزه
نابرابری جنسیتی - تقسیم کار نابرابر - پایگاه اقتصادی و اجتماعی - ستیز اجتماعی	قشربندی ستیز و منابع	رندال کالینز	جامعه‌شناسی
قدرت اقتصادی - کنترل بر وسایل تولید - درجه کنترل زنان بر وسایل تولید و توزیع - ارزش اضافی	قشربندی جنسیتی	بلامبرگ	جامعه‌شناسی
تغییرات اجتماعی - نسبت جنسیت و جمعیت - تغییرات اقتصادی ساختاری - عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - قشربندی و ارتباط آن با تقسیم کار	-----	ژانت چافتز	جامعه‌شناسی
اهمیت خانواده در جامعه‌پذیر کردن - مدرسه - همسالان - گروه‌های اجتماعی	نظریه جامعه‌پذیری	-----	جامعه‌شناسی
انتظارات جامعه - پایگاه افراد - تکالیف - پاسخ به هنجارها	نظریه نقش	-----	جامعه‌شناسی
آموزش رفتارهای اجتماعی - نقش جنسیتی - الگوسازی	یادگیری اجتماعی	آلبرت باندورا	روانشناسی

چارچوب نظری

در این تحقیق به منظور بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، سعی شده است که از دو نظریه ستیز و منابع برای تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شود. هر دو نظریه، منشأ نابرابری جنسیتی موجود بین زن و مرد را دسترسی نابرابر آنان به منابع مختلف می‌داند. به اعتقاد کالینز، هر چه منابع یک زن بیشتر شود، توان بیشتری برای اعتراض به نابرابری و نگرش منفی تری نسبت به نابرابری‌های جنسیتی خواهد داشت. از نظر بلاد و ولف و کالینز، افزایش سطح تحصیلات مرد و پایگاه شغلی او، منابعی هستند که می‌تواند از آنها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کند. بلامبرگ نیز معتقد است که هر چه قدرت اقتصادی زنان نسبت به مردان، بیشتر باشد کنترل بیشتری بر زندگی خواهند داشت و مسلط‌تر خواهند بود. چافتز نیز نشان می‌دهد که نابرابری‌های جنسیتی، حاصل عملکرد عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و معتقد است که از طریق تقسیم کار جنسیتی است که مردان به منابع بیشتری دسترسی پیدا می‌کنند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.



۲. بین سن دانشجویان و نگرش آنها نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، همبستگی وجود دارد.
۳. بین وضعیت تأهل دانشجویان و نگرش آنها به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌ها و نگرش آنها به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین محل سکونت دانشجویان و نگرش آنها به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۶. بین نگرش والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۷. بین منزلت شغلی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.
۸. بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

جنس: مفهومی زیست‌شناختی است که بر تفاوت‌های بیولوژیکی میان زن و مرد اشاره دارد (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۲۴۴).

جنسیت: جنسیت، مقوله‌ای اجتماعی است و با واژه جنس که به طور عام برای بیان همان مقوله و فقط از دیدگاه زیست‌شناسی به کار می‌رود، متفاوت می‌باشد و شامل رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر جامعه به عهده‌دو جنس زن و مرد می‌گذارد (نرسیاس، ۱۳۸۳: ۹).

طرز تلقی یا نگرش: نگرش از نظر جامعه‌شناسی، آمادگی کم و بیش پایداری است که منشأ رفتارها و عقاید زیادی است و در این مورد خاص، رفتار و عقاید مردان نسبت به زنان را شامل می‌شود. این نگرش از یک رشته باورها و اطلاعات دلخواهانه که جنبه شناختی نگرش مردانه است، متأثر می‌شود و حالت عاطفی به رفتارها و اعمال مردان جامعه نسبت به زنان می‌دهد که در پرتو آن، عقاید و باورهای ذهنی در مورد اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان، مشارکت آنان در سیاست، ارتقای تحصیلی آنها، طرفداری و یا عدم حمایت از آنان شکل می‌گیرد (خالقی مقدم، ۱۳۷۴: ۴۴).

نگرش جنسیتی: شیوه نگرستن افراد یک جامعه به توانایی‌ها و حقوق زنان است که امکان دارد تنها بخشی از آن با عقل، دین و یا مقررات محلی سازگار باشد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، اندیشه فرودستی زنان، ریشه در شیوه اندیشه مردان نسبت به آنها دارد و نگرش منفی و



عمومی جامعه نسبت به جنس زن، واقعیتی ابدی نیست و متأثر از نوع تربیت و یا به عبارت دیگر، برآیند جامعه‌پذیری افراد است. نابرابری جنسیتی: عبارت است از نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود (ساروخانی، ۱۳۸۸، ۴۸).

متغیرهای مستقل

منابع ارزشمند

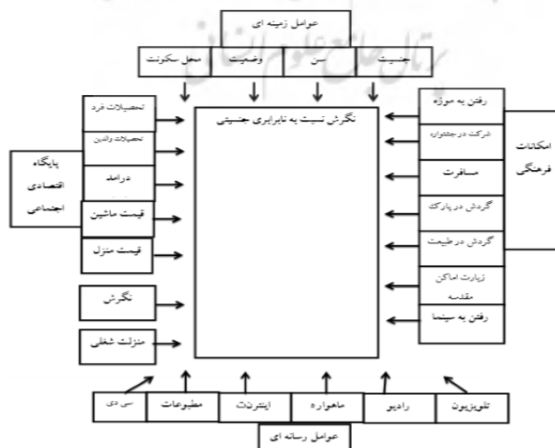
بر اساس نظریه منابع، هر نوع دارایی متعلق به فرد یا گروهی می‌تواند به دیگران عرضه شود و برای رفع نیازهای آنها سودمند بوده یا وسیله‌ای برای رسیدن آنها به اهدافشان باشد (قندهاری، ۱۳۸۴: ۷۳). برای سنجش این متغیر از شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی در قالب ۱۳ گویه، استفاده از رسانه‌ها در قالب ۶ گویه، استفاده از امکانات فرهنگی در قالب ۷ گویه و متغیرهای جمعیت‌شناختی در قالب سن، جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت استفاده شده است.

متغیر وابسته

در این تحقیق، متغیر وابسته، نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی است که در دو بعد نگرش جنسیتی دانشجویان در قالب ۱۳ گویه و نگرش جنسیتی والدین در قالب ۷ گویه، مورد مطالعه قرار گرفته است.

مدل عملیاتی

عوامل فرهنگی اجتماعی ← نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی



روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، اسنادی و پیمایشی (توصیفی - کاربردی) است؛ به این صورت که محققان، جهت سنجش و شناسایی تحقیقات قبلی، بررسی تئوری‌ها و نظریه‌ها و ارائه چارچوب نظری، به روش اسنادی از کتاب‌ها و مقالات و ... استفاده کردند و از آنجا که درصدد بودند تا با جمع‌آوری اطلاعات از یک گروه نمونه نتایج حاصل را به کل جامعه تعمیم دهند و در پی کشف و شناسایی ویژگی‌ها، فراوانی و توزیع این ویژگی‌ها و نیز رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل و هم‌منطور بررسی آزمون فرضیات ارائه شده بودند؛ لذا روش مورد استفاده آنان، پیمایش (توصیفی کاربردی) است؛ در این روش، پس از گردآوری اطلاعات با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه و پردازش اطلاعات با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با توجه به نوع فرضیه و سطح سنجش متغیرهای موجود در فرضیه‌ها، از ضریب همبستگی اسپیرمن، تحلیل واریانس یا آنوا، آزمون خی دو و آزمون تی استیودنت استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، عبارت است از کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد، پیام‌نور و علمی - کاربردی مهران که با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه، تعیین شد و با توجه به اهداف تحقیق و ویژگی جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، علاوه بر اسناد که دربرگیرنده کتاب‌ها و مقالات است، پرسشنامه می‌باشد.

سنجش اعتبار و روایی پرسشنامه

در این تحقیق برای تعیین اعتبار مفاهیم مورد نظر از اعتبار صوری استفاده شد که با رعایت ضوابط علمی و نظرخواهی از اساتید و متخصصان، جهت سنجش مفاهیم مورد نظر انتخاب گردید. به منظور اندازه‌گیری روایی و سنجش میزان انسجام درونی گویه‌ها نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد.

\bar{J} = تعداد زیرمجموعه سؤال‌های پرسشنامه یا آزمون

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum S_j^2}{S^2} \right)$$

S_j^2 نام S_j^2 = واریانس زیر آزمون

S^2 = واریانس کل آزمون



جدول شماره (۲). محاسبه ضریب پایایی گویه‌ها

ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفا
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۱۲	۰/۰۸۴
نگرش جنسیتی دانشجویان	۱۳	۰/۰۸۴
نگرش جنسیتی والدین	۷	۰/۰۷۲
استفاده از رسانه‌ها	۶	۰/۰۸۱
استفاده از امکانات فرهنگی	۷	۰/۰۷۲

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفت که در بخش آمار استنباطی، به منظور تست فرضیه‌ها با توجه به نوع فرضیه‌های ارائه شده و سطح متغیرهای به کار رفته در فرضیه‌ها، از آزمون همبستگی اسپیرمن، تحلیل واریانس یا آنوا، آزمون خی دو و آزمون تی استیودنت استفاده شد.

نتایج توصیفی

ویژگی جمعیت نمونه مورد مطالعه

نتایج تحقیق، نشانگر آن است که ۸۷ درصد از پاسخگویان، ۱۸-۲۶؛ ۹/۵ درصد، ۲۶-۳۰؛ ۰/۸ درصد، ۳۰-۳۵ و ۰/۳ درصد از آنها ۳۵ ساله و بالاتر بوده‌اند. از این تعداد، ۹۴/۵ درصد در شهر و ۵/۵ درصد در روستا سکونت داشته‌اند. ۹۰/۵ درصد از پاسخگویان نیز مجرد و ۹/۵ درصد متأهل بوده‌اند. از لحاظ میزان تحصیلات والدین، بیشترین فراوانی (۰/۳۰ درصد) مربوط به افرادی بوده که سطح تحصیلات مادر آنها زیر دیپلم و کمترین فراوانی (۳/۵ درصد) نیز مربوط به افرادی بوده که تحصیلات مادر آنها لیسانس و بالاتر بوده است. در خصوص تحصیلات پدر نیز بیشترین فراوانی (۳۳/۳ درصد) را افراد زیر دیپلم و کمترین فراوانی (۲/۵ درصد) را افراد لیسانس و بالاتر به خود اختصاص داده است. در خصوص نوع مالکیت مسکونی، ۶۳/۵ درصد اظهار داشتند که منزل مسکونی شخصی، ۱۵/۳ درصد منزل رهنی یا اجاره‌ای و ۱/۳ درصد منزل سازمانی دارند و ۱۸/۵ درصد نیز در منزل پدری سکنی داشتند. ۷۶/۳ درصد دارای وسیله نقلیه شخصی و ۰/۲۰ درصد نیز فاقد وسیله نقلیه شخصی هستند. شغل پدر ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان، دولتی و ۳۸/۸ درصد، آزاد و شغل مادر ۸۱/۵ درصد از آنها، خانه‌دار، ۱۰/۳ درصد، دولتی و ۰/۴ درصد نیز آزاد بوده است. در مورد درآمد ماهیانه پدر، بیشترین فراوانی متعلق به درآمد بالای ۵۰۰ هزار تومان و کمترین درآمد بین ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان و درآمد مادر نیز به همین میزان بوده است.

آزمون آماری فرضیه‌ها

جدول شماره (۳). تفاوت بین جنسیت و نگرش نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

نوع آزمون	فواصل	سطح معناداری (P)
تی استیودنت	پذیرش فرضیه تحقیق	۰/۰۰۳

در فرضیه اول، نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، با استفاده از آزمون تی استیودنت، مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۱)، $p < 0.003$ به دست آمده است، کمتر از p مورد نظر ($p < 0.05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۴). همبستگی بین سن دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

نوع آزمون	تعداد (N)	r	سطح معناداری (P)
آزمون همبستگی اسپیرمن	۳۹۰	-۰/۰۱۲	۰/۶۸۰

در فرضیه دوم، برای بررسی همبستگی بین سن و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۴)، $p = 0.680$ بیشتر از p مورد نظر ($p < 0.05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، رد می‌شود و بر اساس یافته‌های این آزمون، بین سن دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، همبستگی وجود ندارد و این فرضیه، مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول شماره (۵). تفاوت میان وضعیت تأهل دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

نوع آزمون	تعداد (N)	r	df	سطح معناداری (P)
آزمون خی دو	۴۰۰	۸/۹۸۳	۳	۰/۰۳۰

فرضیه سوم به بررسی رابطه میان وضعیت تأهل دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی با استفاده از آزمون خی دو، پرداخته است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۵)، $p = 0.030$ کمتر از p مورد نظر ($p < 0.05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین وضعیت تأهل دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۶). تفاوت میان میزان استفاده از رسانه‌ها و نگرش

دانشجویان نسبت به نابرابری جنسیتی

نوع آزمون	تعداد (N)	df	سطح معناداری (P)
آزمون خی دو	۳۹۴	۱۶	۰/۶۴۷



فرضیه چهارم با استفاده از آزمون خی دو، به بررسی رابطه بین میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌ها و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی پرداخته است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۶)، p به دست آمده ($p=0/647$)، بیشتر از p مورد نظر ($p > 0/05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین میزان بهره‌گیری دانشجویان از رسانه‌ها و نگرش آنها نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۷). تفاوت بین محل سکونت دانشجویان و نگرش

آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

نوع آزمون	تفاوت	سطح معناداری (P)
آزمون تی استیودنت	عدم پذیرش فرضیه	۰/۰۶۱

فرضیه پنجم با استفاده از آزمون تی استیودنت، به بررسی رابطه بین محل سکونت دانشجویان و نگرش آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی پرداخته است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۷)، p به دست آمده ($p=0/061$)، بیشتر از p مورد نظر ($p > 0/05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین نگرش دانشجویان شهری و روستایی نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۸). تفاوت بین نگرش دانشجویان و والدین

آنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

نوع آزمون	تعداد (N)	سطح معناداری (P)
تحلیل واریانس	۴۰۰	۰/۰۶۱

فرضیه ششم با استفاده از تحلیل واریانس به بررسی رابطه بین نگرش والدین نسبت به نابرابری‌های جنسیتی و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی پرداخته است. بر اساس داده‌های جدول شماره (۸)، p به دست آمده ($p=0/001$)، کمتر از p مورد نظر ($p > 0/05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین نگرش دانشجویان و والدین آنها نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۹). تفاوت میان منزلت شغلی والدین و نگرش

دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

ANOVA	
شاخص‌ها	P
منزلت شغلی فرد	۰/۰۴
منزلت شغلی پدر	۰/۱۵
منزلت شغلی مادر	۰/۱۳

فرضیه هفتم که با استفاده از تحلیل واریانس یا آنوا مورد بررسی قرار گرفته است، نشان می‌دهد که بین منزلت شغلی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس داده‌های جدول شماره (۹)، p به دست آمده، کمتر از p مورد نظر ($p > 0/05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود.

جدول شماره (۱۰). تفاوت بین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی والدین و نگرش

دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی

ANOVA	
شاخص‌ها	P
تحصیلات مادر	۰/۰۱۱
تحصیلات پدر	۰/۰۲۰
قیمت منزل مسکونی	۰/۰۰۳
قیمت وسایل نقلیه	۰/۰۱۳
درآمد ماهیانه فرد	۰/۰۳۵
درآمد ماهیانه پدر	۰/۰۰۷
درآمد ماهیانه مادر	۰/۰۲۷

فرضیه هشتم که با استفاده از تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفته است، نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس داده‌های جدول شماره (۱۰)، p به دست آمده، کمتر از p مورد نظر ($p > 0/05$) است؛ لذا فرضیه اصلی تحقیق، مورد پذیرش واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نابرابری جنسیتی به عنوان یکی از انواع نابرابری‌هایی که بر مبنای جنسیت زنان شکل گرفته است، نه تنها خاص یک کشور و منطقه نیست؛ بلکه به گونه‌ای گسترده در همه فرهنگ‌ها و جوامع و به قدمت تاریخ کهن بشری وجود داشته است. نتایج پژوهش، تفاوت بین نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به نابرابری جنسیتی را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین سن دانشجویان و بهره‌گیری آنها از رسانه و نگرش به نابرابری‌های جنسیتی، رابطه وجود ندارد و این فرضیه، مورد تأیید واقع نشد؛ همچنین نتایج، نشان از رابطه بین وضعیت تأهل دانشجویان و نگرش آنان به نابرابری‌های



جنسیتی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان شهری و روستایی نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوتی وجود ندارد؛ این فرض که مورد پذیرش قرار نگرفت با نتایج ریاحی (۱۳۸۶) در مقاله «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان کلیشه‌های جنسیتی در استان مازنداران» که نشان می‌داد بین جنسیت، محل سکونت، میزان تحصیلات، میزان درآمد خانواده و میزان سختگیری والدین با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، رابطه معناداری وجود دارد، همخوانی ندارد. بر اساس یافته‌های آزمون، بین منزلت شغلی دانشجویان و والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد و این فرضیه پذیرفته می‌شود و با پژوهش لهسایی‌زاده (۱۳۸۰) در مقاله «عامل‌های مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه» که به صورت موردی در شهر شیراز انجام شده بود، همسو است که نشان می‌دهد که میان لایه‌های اجتماعی و منزلت شغلی مردان نسبت به زنان، رابطه معناداری وجود دارد و بر این اساس، مردان با دانش بالا و کسانی که دارای شغل‌های بالاتری می‌باشند، نگرش مثبت‌تری نسبت به زنان دارند؛ همچنین بین پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی والدین و نگرش دانشجویان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق، تأییدکننده چارچوب نظری تحقیق است. بر اساس تئوری ستیز و منابع، هرچه افراد، منابع بیشتری در اختیار داشته باشند، از قدرت بیشتری برخوردار خواهند بود و خواهند توانست از این قدرت در روابط خانوادگی و تأثیرگذاری در تصمیمات استفاده نمایند.

پیشنهادات

- ایجاد فرصت‌های لازم برای تأسیس انجمن‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و به طور کلی، مراکز تجمع زنانه برای آگاهی از کم و کیف پتانسیل‌های موجود؛
- بررسی وضعیت و مسائل زنان در زمینه‌های مختلف و انتشار گزارش به مراکز مربوط؛
- تلاش در جهت حمایت از صاحب‌نظران و محققان و هدایت رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و تحقیقات در جهت نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی زنان؛
- تشویق و ترغیب مدیرانی که از زنان در سطوح بالای سازمانی استفاده می‌کنند و امکان اثبات لیاقت آنان را با دادن فرصت‌های لازم فراهم می‌آورند؛
- انجام پژوهش‌های علمی درباره مسائل زنان؛ به‌ویژه در مباحث اشتغال و مدیریت و نقش آنان در توسعه کشور؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای زنان و آشنا کردن آنها با حقوق خود، فراهم کردن زمینه‌های خودباوری در آنان و آگاه کردن آنها به قابلیت‌ها و توانایی‌های فردیشان.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- آبوت، پالماو کلو و والاس؛ (۱۳۸۰) در آمدی بر جامعه‌شناسی زنان، ترجمه نجم عراقی، تهران: نی.
- ترنر، جان اتان؛ (۱۳۸۴)، ساخت نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: نوید.
- جزینی، نسرین؛ (۱۳۸۰)، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران: مرکز.
- خالقی مقدم، محمد؛ (۱۳۷۴)، نگرش فرهنگی کشور نسبت به زنان، مجموعه مقالات زن، چهارمین گردهمایی سیماس زن در جامعه: زن و توسعه فرهنگ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دوبووار، سیمون؛ (۱۳۸۰)، جنس دوم، ترجمه قاسم صعودی، ج اول و دوم، تهران: نشر توس.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ (۱۳۸۶)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۵، شماره ۱.
- ساروخانی، باقر و طاهره میرساردو؛ (۱۳۸۸)، فرهنگ جامع جامعه‌شناسی، تهران: سروش
- عزتی، سعدالله؛ (۱۳۸۳)، «موانع فرهنگی توسعه در نظام خانواده با تکیه بر تبیین و نابرابری جنسیتی نسبت به زنان»، فصلنامه فرهنگ ایلام.
- کتابی، محمود و دیگران؛ (۱۳۸۲)، عصر اطلاعات، قدرت هويت، ترجمه حسن چاووشیان، ج دوم، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- گروسی، سعیده؛ (۱۳۸۷)، بررسی ساخت قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲.
- عضدانلو، حمید؛ (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- قندهاری، پردیس؛ (۱۳۸۴)، «مزاحمت‌های جنسی در ایران»، مرکز تحقیقات زن و خانواده، شماره ۲، صص ۱۲۲ - ۱۳۲.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ (۱۳۸۰)، «عوامل مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه (مطالعه موردی: شهر شیراز)»، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره ۲.
- مشهدی، ژیلدا؛ (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی.
- نرسیسیانس، امیلیا؛ (۱۳۸۳)، مردم‌شناسی جنسیت، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه مردم‌شناسی.

ب) انگلیسی

- Blood, R. O and Wolf, D. M (1960) «Husband and Wives: the dynamics of married living», Glencoe, IL: free press.
- Gaz, So, W. a and J. A. McMullim. 2003. doing domestic labor. Canadian journal of sociology 1366-34(3)&2.
- Kane, Eelily W. (1998) Men's and women beliefs about gender inequality family ties. dependence and agreement, sociological form, vol,13.
- Smorda, Z. 1995. Power, genders treaty P. e. s, and perception of heterosexual couples. Brithish jounral of social psychology 435-34:421.
- Schaeffer. f. T & Lamn R. P (1992) sociology, New York: McGraw Hill.
- Stanley, L. and Wise. S(2002) «What Wrong with socialization?» In: S. Jack Sonands. Scott, Gender: A sociological Reader London:Routledge,pp:9-273.